انتشار فراخوان بخش رقابتی جشنواره موسیقی فجر

فراخوان بخش رقابتی سی و ششمین جشنواره موسیقی فجر به صورت باکلام و بی‌کلام در بخش‌های موسیقی دستگاهی، کلاسیک، پاپ، نواحی، تلفیقی، معاصر و ارکسترال ایران منتشر شد. صاحبان آثار از ۴ آبان می‌توانند تمامی آلبوم‌های صوتی را در بازه زمانی اول مهر ۹۶ تا اول مهر ۹۸ منتشر شده است تا پایان وقت اداری شنبه ۱۵ آذر ثبت‌نام خود را انجام دهند. / ایسنا

ترجمه «تفسیر نَسَفی» به چاپ سوم رسید

کتاب «تفسیر نَسَفی؛ ترجمه‌ای کهن از قرآن مجید به فارسی موزون و مسجّع، به ضمیمه آیات» تألیف امام ابوحَفص نجم‌الدین عُمَربن‌محمّد نسفی با تصحیح عزیزا... جوینی به‌تازگی توسط انتشارات سروش به چاپ سوم رسیده است. بیش از صد کتاب در علوم مختلف اسلامی از این تفسیر یاد کرده‌اند. چاپ سوم ترجمه این‌کتاب با ۱۳۱۶ صفحه، شمارگان ۵۰۰ نسخه و قیمت ۱۸۰ هزار تومان عرضه شده است. / جام‌جم‌دیلی

گفت‌وگو با فعالان حوزه بین‌المللی ادبیات ایران برای بررسی دلایل کمرنگ شدن حضور آثار داخلی در رویدادها و جوایز ادبی جهان

چرا کسی به ادبیات ایران جایزه نمی‌دهد؟

امروز نوزدهمین سالروز اعطای جایزه معتبر کتاب سال سوئیس به محمدرضا بایرامی است

صابر محمدی

ادبیات و هنر

امروز-۲۹ مهرماه-۱۹ سال می‌گذرد از روزی که محمدرضا بایرامی در یکی از تالارهای هنری شهر برن سوئیس روی صحنه رفت تا مهم‌ترین جایزه ادبی این کشور و یکی از معتبرترین جایزه‌های ادبی اروپا را از دست چارلز لینس مایر، منتقد معروف ادبیات داستانی به خاطر کتاب «کوه مرا صدا زد» دریافت کند. آن روزها بحث‌های مختلفی درباره این رویداد درگرفت.

خود همین آقای منتقد یعنی چارلز لینس مایر گفته بود: «از آنجا که من جزو هیأت داوران نبودم، اول که خبر را شنیدم، فکر کردم که محمدرضا بایرامی، به این دلیل جایزه مار عینکی آبی را گرفته که از منطقه زندگی مار عینکی آمده! اما بعد که کتاب خود بایرامی را خواندم و فهمیدم که این کتاب در بهار هم جایزه دیگری از سوئیس گرفته، (جایزه پرازل بر preiselbar)، مطمئن شدم که در اینجا، جغرافیا و زندگی حیوانات، برای گرفتن جایزه اهمیتی نداشته و علت، هنر و ادبیات و همچنین موضوع کتاب بوده است».

بحث دیگری که آن روزها درگرفت این بود که جایزه «مار آبی» هر چند معتبر است، اما در حوزه ادبیات کودک و نوجوان به اعتبار جایزه «هانس کریستین اندرسن» نیست.

البته این حرف، حرف درستی بود، اما خب چون نویسندگان و تصویرگران کشورمان در جایزه اندرسن، چند بار نامزد دریافت شده‌اند و جز فرشید مثقالی که در سال ۱۹۷۴ جایزه تصویرگری این رویداد را به دست آورده و هیچ مؤلف و تصویرگری نتوانسته به این جایزه دست یابد، دریافت جایزه مار آبی، برای ادبیات کودک و نوجوان ما، مهم‌ترین جایزه بوده است.

امروز، ۱۹ سال از آن روز می‌گذرد و ادبیات ایران، به‌ویژه ادبیات بزرگسالان، نتوانسته چندان آن موفقیت را تکرار کند. در این سال‌ها البته تك و توك بوده‌اند نویسنده‌هایی که به جوایزی معتبر نزدیك شده و حتی آن را کسب کرده باشند، از جمله همین جایزه معتبر بوکر که اخیرا به رمان «اشراق درخت گوجه‌سبز» شکوفه آذر تعلق گرفت، اما خب این رمان را از آنجا که در زیرمجموعه ادبیات مهاجرت فارسی باید قرار داد، جایزه‌اش را چندان نمی‌توان به حساب موفقیت فعالان ادبیات داخل کشور گذاشت.

چه شد که در همه این سال‌ها ما از کسب جوایز معتبر ادبی و دیگر موفقیت‌ها بازمانده‌ایم؟ این پرسش را با یك مسؤول در مجموعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و از یك فعال در بازاریابی آثار ادبیات ایران در خارج از کشور مطرح کرده‌ایم.

۲۹ مهرماه ۱۳۸۰ بود که **محمدرضا بایرامی** نویسنده ایرانی جایزه معتبری از کشور سوئیس دریافت کرد، از آن روز تا به‌حال دبیرخانه‌های جایزه‌های ادبی بین‌المللی کمتر به آثاری از ادبیات ایران توجه نشان داده‌اند

آژانس‌های ادبی مقصر نیستند

علی عرب‌زاده، مدیر حقوق نشر خارجی آژانس ادبی دایره میناست. کار این آژانس، بازاریابی برای کتاب‌هایی است که در ایران منتشر می‌شوند و می‌خواهند از مسیر ترجمه، راهی به بازار نشر در خارج از کشور بیابند. در این میان این را هم در نظر بگیرید که فعالیت آژانس‌های ادبی در ایران، سابقه‌ای تقریبا دو دهه‌ای دارد و در این گزارش، ما همین ۲۰ سال را در نظر گرفته‌ایم تا بپرسیم چرا پس از آن جایزه معتبر از کشور سوئیس، جایزه دیگری به ادبیات ایران، به‌خصوص ادبیات بزرگسال تعلق نگرفته است.

از این‌رو می‌توان بین فعالیت چنین مراکزی با موفقیت آثار ادبیات ایران در جوایز ادبی، نسبتی مستقیم را رصد کرد و گفت اگر آژانس‌ها در بازاریابی‌شان برای انتشار آثار فارسی به زبان انگلیسی و دیگر زبان‌ها در دیگر کشورها موفق عمل کنند، مسیر رسیدن این آثار به فهرست نامزدهای جوایز معتبر ادبی نیز هموارتر می‌شود. البته، عرب‌زاده چندان با این گزاره موافق نیست: «بروز این وضع، نسبتی با فعالیت آژانس‌های ادبی ندارد. دست‌کم باید گفت ربط وثیق و مستقیمی ندارد. در نظر داشته باشیم که عمده جوایز به آثاری اهدا می‌شود که به انگلیسی ترجمه شده‌اند. می‌دانیم که بیشتر جوایز معتبر دنیا، به آثار انگلیسی‌زبان تعلق می‌گیرند. این در حالی است که ما اغلب با ترجمه‌های درستی از ادبیات‌مان مواجه نیستیم.

تا ترجمه خوب ارائه ندهیم هم اثر به بررسی نزد هیات داوران جوایز نمی‌رسد. علت دوم بروز این خلأ، حضور کمرنگ نمونه‌های ادبیات بزرگسال ما در رسانه‌های برجسته صنعت نشر دنیاست. اغلب مدیران نشر ما و نویسنده‌ها به خاطر ناآشنابودن با زبان انگلیسی، به این رسانه‌ها راه نمی‌یابند. آنها باید بدانند با کدام رسانه به گفت‌وگو بپردازند و برای حضور در کدام رویداد بین‌المللی تلاش کنند.

در فضای انگلیسی اینترنت، شما ممکن است درباره برخی آثار ادبیات ایران، مطالب پراکنده‌ای به زبان انگلیسی بیابید، اما کمتر اثری است که مثلا مجهز به ویکی‌پدیای انگلیسی بوده یا گفت‌وگویی با نویسنده‌اش در رسانه‌ای معتبر صورت گرفته باشد. مجموع اینها باعث می‌شود ما دیده نشویم. این در حالی است که هیات داوران جوایز مختلف نیز، به مانند همه فعالان صنعت نشر، همین رسانه‌ها را رصد می‌کنند و از آنها تاثیر می‌گیرند؛ رسانه‌هایی که ما حضور چشمگیری در آنها نداریم. بازیگران صنعت نشر ما در عرصه‌های بین‌المللی حضوری جدی ندارند و از این روست که می‌گویم آژانس‌های ادبی را در بروز این وضع چندان مقصر نمی‌بینم». این را هم در نظر بگیرید که عرب‌زاده معتقد است ما در ادبیات کودك و نوجوان و به‌ویژه تصویرگری برای این حوزه، تقریبا همه افتخارات ممکن را کسب کرده و بنابراین موفق بوده‌ایم، اما در حوزه ادبیات بزرگسال، سهم کمتری از جوایز ادبی و دیگر موفقیت‌ها توانسته‌ایم اخذ کنیم.

علی عرب‌زاده، مدیر حقوق نشر خارجی آژانس ادبی دایره میناست؛ یکی از چند آژانس فعال ایران در بازاریابی آثار ادبیات ایران در صنعت نشر جهان

علیرضا نوری‌زاده، معاون اداره کل مجامع و تشکل‌های معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دبیر اجرایی طرح گرنت است

کار آژانس این نیست

اما اگر می‌خواهید خیلی خلاصه بدانید که چرا یکی از مدیران یکی از آژانس‌های فعال ادبی در ایران، حضور نه‌چندان چشمگیر آثار ایرانی در فهرست نامزدهای دریافت جوایز معتبر ادبی را به فعالیت آژانس‌ها مرتبط نمی‌داند، باید این پاسخ او را بخوانید که وقتی از او می‌پرسیم اساسا آنها وظیفه دارند که آثار ایرانی را به دبیرخانه جوایز مختلف معرفی کنند یا نه، می‌گوید: «ارسال آثار به دبیرخانه جوایز و مسابقات و نمایشگاه‌ها، جزو فعالیت‌های اصلی آژانس‌های ادبی در هیچ کجای دنیا نیست.

معمولا چون آژانس‌های ادبی نماینده و تسهیلگر فعالیت‌های بین‌المللی مشتریانشان هستند، ممکن است در این باره کمکی بکنند و خدماتی ارائه بدهند و مبلغ جداگانه‌ای دریافت کنند، اما جزو تعهدات تعریف‌شده‌شان نیست. در واقع آژانس ادبی به شکل گزیده برای برخی مشتریان و با در نظر داشتن ملاحظات عملیاتی، چنین خدماتی را می‌تواند ارائه دهد ولی به شکل عمومی، کار آژانس ادبی این نیست و جزو خدمات اصلی‌اش محسوب نمی‌شود».

پس آژانس‌ها چه می‌کنند؟

شاید این سؤال برای شما هم پیش آمده است. البته می‌دانیم کار اصلی آنها بازاریابی برای کتاب‌های داخلی در بازارهای جهانی است، اما از زبان مدیر حقوق نشر خارجی آژانس ادبی دایره مینا بشنوید که آنها دقیقا چه می‌کنند: «چه ما خودمان به نویسنده و تصویرگر و صاحب اثر مراجعه کنیم چه آنها سراغ‌مان بیایند، به هر حال قدم نخست، بررسی اثر است.

این بررسی، شامل این سنجش است که آیا ما به عنوان بازاریاب آن مؤلف یا صاحب اثر، می‌توانیم مشتریانی در بازار هدف پیدا بکنیم یا نه؟ این بررسی، وجوه گوناگونی دارد. اگر اثری را نپذیریم دو وجه دارد؛ یا اثر کیفیت لازم را نداشته است یا این‌که ما در بررسی‌های‌مان درمی‌یابیم که نمی‌توانیم برای اثر بازاریابی کنیم. بنابراین، لزوما هر اثری را که انتخاب نمی‌کنیم به این معنا نیست که اثر کم‌ارزشی است، بلکه این است که ممکن است اثر، در بازارهای مورد نظر ما جایگاهی نداشته باشد به‌رغم این‌که اثر برجسته‌ای هم بوده باشد. در مرحله بعد، ما

ضمایر [او]

فارسی شدن کتاب نجیب محفوظ

مجموعه داستان «یک بعدازظهر شصت سالگی» این نویسنده مصری به فارسی ترجمه و منتشر شد

نجیب محفوظ، نمایشنامه‌نویس و نویسنده مصری است که در روزگار سالخوردگی‌اش توانست جایزه ادبی نوبل را هم از آن خود کند. او در رمان‌هایش نوشتن از مصر باستان را شروع کرد و بعد رسید به مصر مدرن، بعد هم تغییر رویه داد و رفت سراغ موضوعاتي مانند استعمار انگلیس و شد منتقد خاندان سلطنتی مصر. او در این مسیر تا جایی پیش رفت که در تعداد زیادی از رمان‌های برجسته‌اش به مسائل مهم اجتماعی از جمله حقوق زنان و زندانیان سیاسی پرداخته است.

روز گذشته خبر رسید که از این نویسنده فقید در ایران یک مجموعه داستان با نام «یک بعدازظهر شصت سالگی» منتشر شده است. این مجموعه را آن‌طور که مهر نوشته، اصغر علی‌کرمی ترجمه کرده و توسط نشر ایهام منتشر شده است.

این اثر ترجمه فارسی کتاب «صباح الورد» است که ترجمه تحت‌اللفظی آن به فارسی می‌شود «صبح بخیر». «صباح الورد» نام مجموعه داستان مستقلی است که نجیب محفوظ آن را در سال ۱۹۸۷ یعنی یک سال قبل از انتخاب وی به عنوان برگزیده جایزه نوبل، منتشر کرده و اصغر علی‌کرمی برای ترجمه فارسی آن نام یکی دیگر از داستان‌های این کتاب را انتخاب کرده است. این مجموعه متشکل از سه داستان نسبتا بلند است که از نظر موضوعی و زمانی به ترتیب پشت سرهم آمده‌اند و چه بسا بتوان آن را یک رمان تلقی کرد. از سوی دیگر می‌توان داستان‌های این مجموعه را اشاره‌های دوری به سه رمان معروف نجیب محفوظ یعنی «قصر شوق»، «بین القصرین» و «سکریه» دانست که در کنار هم سه‌گانه معروف او را تشکیل داده‌اند و نجیب به خاطر این سه‌گانه جایزه نوبل را دریافت کرده است. نجیب محفوظ به خاطر جایگاه ویژه در نمایشنامه‌نویسی و داستان و رمان و نیز شیوه روایت منحصر به فرد، شایسته دریافت جایزه نوبل به عنوان تنها نویسنده عرب‌زبان شده است. او بی‌شک بارزترین چهره داستانی از ادبیات معاصر عرب است.

اصغر علی‌کرمی از مترجمان پرکار در حوزه ترجمه ادبیات معاصر عرب است. عناوین برخی از کتاب‌های منتشر شده با ترجمه او از این قرار است: «هر عید محبوبه منی»، «همه چیز ممکن است»، «معشوقه من و سیگارهایم»، «خداوند فقط نامه‌های عاشقانه را جواب می‌دهد»، «همه‌چیز ممکن است» و «دوستت دارم امضای من است» جملگی از نزار قبانی، «پیاده‌روی با تبعید» اثر عدنان صائغ، «صبح بخیر» اثر نجیب محفوظ، «و در آغاز زن بود» سروده سعاد الصباح، «از پیکر تا دریا» اثر آدونیس و «آن زن جمله اسمیه است» اثر محمود درویش.

بازار

کاغذ در آستانه بحران

قیمت انواع کاغذ از جمله کاغذ چاپ و تحریر که در هفته گذشته با کاهش مواجه شده بود، دوباره افزایش یافت. قیمت کاغذ چاپ و تحریر از مرز ۴۰۰ هزار تومان گذشت. این‌که وضعیت فعلی بازار کاغذ تا چه زمان دوام می‌آورد و ناشران چه زمانی برای تهیه کاغذ به بازار آزاد روی خواهند آورد، مشخص نیست، اما در صورت ادامه‌دار بودن وضعیت تخصیص ارزها، دیری نمی‌گذرد که بازار کاغذ دوباره بحران سال‌های ۹۶ تا ۹۷ را تجربه کند. / تسنیم

عدد اول

چاپ تازه «نان سال‌های جنگ»

۲

چاپ دوم کتاب «نان سال‌های جنگ» که خاطرات زنان روستایی در پشتیبانی دفاع‌مقدس را روایت می‌کند، توسط انتشارات «راه یار» با ویرایش جدید راهی بازار نشر شد. این اثر اولین کتاب از مجموعه تاریخ شفاهی پشتیبانی جنگ انتشارات راه یار است که طی آن خاطرات زنان روستای «صَدخَرو» سبزوار در پشتیبانی دفاع‌مقدس روایت می‌شود. تحقیق این کتاب را محمد اصغرزاده برعهده داشته و محمود شم‌آبادی نیز نگارش آن را انجام داده است.

عدد دوم

نشست خبری اینستاگرامی جایزه جلال

۱۳

نشست خبری سیزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل‌احمد، چهارشنبه (۳۰ مهر) ساعت ۱۰ در سالن زنده‌یاد عاشوری موسسه خانه کتاب و ادبیات ایران برپا می‌شود. جایزه ادبی جلال آل‌احمد هر سال در چهار گروه «داستان بلند و رمان»، «مجموعه داستان کوتاه»، «نقد ادبی» و «مستندنگاری» آثار منتشر شده سال قبل را بررسی کرده و برگزیدگان و شایسته‌های تقدیر بخش‌های چهارگانه را به جامعه ادبی کشور معرفی می‌کند. / جام‌جم‌دیلی

راش [سینمای جهان]

«اقدام خواهرانه» ادامه دارد

ووپی گلدبرگ در سومین قسمت فیلم موفق خود

کیکاووس زیاری

سینمای جهان

ووپی گلدبرگ، کمدین و بازیگر موفق دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی سینما، تصدیق کرد که سومین قسمت کمدی اکشن معروف و پرفروش «اقدام خواهرانه» در دستور کار تولید قرار گرفته است. این هنرمند سیاهپوست و اسکار گرفته در گفت‌وگو با یك برنامه تلویزیونی، خبر از جمع شدن دوباره عوامل تولید این مجموعه موفق داد. به گفته او: «مدت زمانی طولانی است که صحبت از ساخت اقدام خواهرانه ۳ می‌شود. تهیه‌کنندگان فیلم در شرکت والت دیزنی بارها اعلام کردند که دوست دارند قسمت تازه‌ای از این کمدی اکشن بزن و بکوب ساخته شود، اما مشکل اصلی مثل همیشه نبود یك فیلمنامه خوب و قابل قبول بوده است. حالا آنها می‌گویند داستان مورد نظرشان را برای ماجراهای قسمت سوم پیدا کرده‌اند. بنابراین، باید خیلی زود منتظر تولید قسمت جدید باشیم.»

البته گلدبرگ در این برنامه توضیحی درباره داستان سومین قسمت اقدام خواهرانه نداد. به نظر می‌رسد که خود او هم اطلاعی از داستان و چند و چون فیلمنامه ندارد! با این حال، رسانه‌ها صحبت از کلید خوردن دوربین فیلمبرداری قسمت سوم در روزهای پایانی سال جاری میلادی می‌کنند. از شرکت والت‌دیزنی خبر می‌رسد که فیلمنامه قسمت تازه در حال تکمیل شدن است و به‌زودی روی میز مدیران این شرکت قرار می‌گیرد. به این ترتیب، تماشاگران سینما می‌توانند برای ایام کریسمس سال آینده میلادی، منتظر نمایش عمومی آن باشند.

ووپی گلدبرگ در قسمت اول فیلم که سال ۱۹۹۲ اکران عمومی شد، در قالب شخصیت دوریس ون کارتیر ظاهر شد. او دزدی خرده‌پا بود که برای فرار از دست ماموران پلیس، به یك کلیسا پناه می‌برد و مجبور می‌شود لباس راهبه‌ها را به تن کند. مسؤولان کلیسا او و بقیه راهبه‌ها را برای انجام کارهای خیرخواهانه به یك سفر می‌برند و دوریس مجبور می‌شود مثل بقیه راهبه‌ها، به کمك نیازمندان بشتابد. او به‌زودی تحت‌تاثیر این اقدامات انسان دوستانه قرار گرفته و تصمیم می‌گیرد زندگی شرافتمندانه‌ای را آغاز کند، اما همکاران قدیمی‌اش، برنامه‌های دیگری برای او در سر دارند.

استقبال تماشاگران و منتقدان از اقدام خواهرانه، راه را برای ساخت قسمت دوم در سال ۱۹۹۳ باز کرد. از این دو فیلم به‌عنوان یکی از بهترین کمدی‌های دهه ۹۰ میلادی اسم می‌برند و این روزها به صورت یك کالت سینمایی درآمده‌اند. فروش جهانی ۲۳۱ میلیون دلاری فیلم‌ها (که در آن زمان رقم بسیار زیادی به حساب می‌آمد)، گلدبرگ را به صورت یکی از موفق‌ترین بازیگران کمدی آن دوران مطرح کرد.

مدیران والت دیزنی قبل از این یك‌بار در سال ۲۰۱۵ درباره تولید قسمت سوم فیلم صحبت کردند. اما بعد از آن، هیچ خبری از احتمال شروع کار فیلمبرداری فیلم نشد. گلدبرگ به این نکته اشاره می‌کند که برخی در شرکت والت دیزنی علاقه‌ای به تولید قسمت‌های جدید فیلم نداشتند و تلاش زیادی کردند تا این کار صورت نگیرد. او می‌گوید: «به من می‌گفتند کسی دوست ندارد چنین فیلمی را روی پرده سینما تماشا کند و جواب من این بود که پس چه کسانی با حضور در سالن نمایش، آنها را تبدیل به فیلم‌هایی موفق و پرفروش کردند؟!» / ددلاین